

مجموعه آثار امامیه

(منتخباتی از عیون اخبارالرضا^(ع)، امالی شیخ صدوق، صحیفه‌الرضا^(ع) و...)

نسخه برگردان به قطع اصل نسخه خطی

شماره ۲۱۸ از مجموعه کتب خطی اهدائی سید محمد صادق طباطبائی

به کتابخانه مجلس

[کتابت ۵۸۰ هـ]

با مقدمه

حسن انصاری



LEM



LABORATOIRE
D'ÉTUDES SUR
LES MONOTHÉISMES
UMR 8584



مرکز پژوهشی میراث مکتوب

تهران ۱۳۹۴ هـ ش

میراث کهن جهان اسلام

۷

به سرپرستی

زاینه اشمیتکه، حسن انصاری، اکبر ایرانی، محمد باهر، دانیل دوست

گروه مشاوران مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه (CNRS):

محمدعلی امیرمعزی، رضا پورجوادی، نصرالله پورجوادی،

صادق سجادی، دیمیتری گوتاس، پیر لوری، ویلفرد مادلونگ

گروه مشاوران مرکز پژوهشی میراث مکتوب:

حسن طارمی راد، نجیب مایل هروی، فتح‌الله مجتبابی، حسین معصومی همدانی

عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه آثار امامیه: منتخباتی از عیون اخبار الرضا (ع)، امالی شیخ صدوق، صحیفه الرضا (ع) و...
مشخصات نشر	: تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب؛ ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: نوزده، ۱۲۲، ۹ ص: نمونه
فروست	: میراث مکتوب: ۲۷۲. نسخه برگردان: ۱۹.
شابک	: 978-600-203-094-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپای مختصر
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nli.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	: کتاب به صورت زیرنویس.
شناسه افزوده	: انصاری قمی، حسین، ۱۳۴۹ -
شناسه افزوده	: مرکز پژوهشی میراث مکتوب
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۹۷۲۰۱

مجموعه آثار امامیه

انتخابی از عبون اخبار الرضا (ع)، امالی شیخ صدوق، صحیفه الرضا (ع) و...

•
با مقدمه

حسن انصاری

•
ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی

محمود امیدسالار

•
ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: محمد باهر

صفحه آرایی و آماده‌سازی تصاویر: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

لیتوگرافی و چاپ: تفره آبی - صحافی: افشین

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها: ۵۶۰۰۰ تومان

شابک: ISBN 978-600-203-094-8 ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۰۹۴-۸

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

در بابی از فرهنگ پر پایه اسلام و ایران پنجمه های خطی موج می زند. این نسخه ها در حقیقت کارنامه دانشمندان و نوابع بزرگ و هویت نامد ایرانیان است. بر عمده هر نسبی است که این میراث پراچ را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و موابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

باید گوشه ایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیح در آنها انجام گرفته و صد کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار نکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی وجود داشته که تا کنون به داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز اگرچه بارها طبع رسیده و به خلق بروش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

احیاء و نشر کتاب و رساله های خطی و خطی است. بر روش محققان و مؤسسات فرستاده مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد غناده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و محققان، و با مشارکت نامشماران مؤسسات علمی اشخاص فرسختی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ همی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای از شناسنامه از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

میراث کهن جهان اسلام سلسله ای است که به پیشینداده مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین و استقبال مرکز پژوهشی میراث مکتوب پای گرفته و به به کاری بام مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه (CNRS) انجامیده است. این سلسله متنی بر مجموعه ای از متون و نسخه های خطی کهن اسلامی و ایرانی در حوزه های فلسفه، منطق، کلام، تصوف و تاریخ علم است که به صورت متون ویراسته و چاپ نشده برگردان انتشار می یابد.

اکبر ایرانی
مدیر عامل مرکز پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

پیشگفتار..... نه - نوزده

متن نسخه

(۱ - ۱۳۳)

۱. مجموعه‌ای از احادیث در فضایل اهل بیت (ع)..... ۱-۱۷
۲. یادداشتها و مجموعه‌ای از نقلهای کوچک از منابع مختلف..... ۱۸-۲۰
۳. چند حکایت و حدیث و از جمله درباره امام غائب (ع)..... ۲۱-۲۲
۴. مطالب و احادیث پراکنده، و از جمله خطبی از حضرت امیر (ع)..... ۲۳-۴۰
۵. منتخباتی از عیون اخبارالرضا (ع)..... ۴۲-۸۱
۶. منتخباتی از صحیفه الرضا (ع)..... ۸۱-۸۲
۷. منتخباتی از امالی شیخ صدوق..... ۸۳-۱۳۲

پیشگفتار

کتاب حاضر چاپ نسخه برگردان نسخه شماره ۲۱۸ از مجموعه کتب خطی اهدایی سید محمدصادق طباطبایی به کتابخانه مجلس است که از جهات متعدد حائز اهمیت و قابل توجه مضاعف است. عنوان نسخه بر روی برگه مشخصات خطی کتابخانه مجلس چنین است: «مجموعه کهنه احادیث و اخبار». این نسخه حاوی مجموعه‌ای است مشتمل بر چند متن حدیثی و اعتقادی و یادداشتهایی مسوده گونه که شاید در نظر نخست چندان با اهمیت جلوه نکند؛ همانطور که فهرست‌نگار محترم مجلدی از مجلدات فهرست طباطبایی مجلس نیز عنایتی به اهمیت نسخه نشان نداده است.^۱ اما حقیقت این است که این مجموعه شامل چندین متن ارزشمند و نیز اطلاعات و اجازاتی تاریخی است که می‌تواند بخشی از تاریخ تشیع امامی را در خراسان به طور عام و بیهق، به طور خاص روشن کند. این دفتر در واقع نمونه‌ای است از دفاتر شخصی محدثان و دانشمندان گذشته که عموماً عادت داشته‌اند در آنها یادداشتهای، منتخبات و گزیده‌هایی را به منظور بهره‌گیری در تألیفات، مجالس وعظ و یا تدریس خود فراهم کرده و گاه مسوده‌هایی از تألیفات خود را در این گونه دفاتر ارائه دهند.

۱. نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجلد سوم از جلد ۲۴، تألیف

بنابراین می‌توان نسخه حاضر را یک نمونه از این دست دفاتر و مجموعه‌های شخصی قلمداد کرد.

این نسخه چنانکه خواهیم دید مشتمل بر گزیده‌ای از امالی شیخ صدوق (د. ۳۸۱ ق) هم هست و پیش از این به عنوان یکی از نسخه‌های اساس مقابله، در ارائه متن مقابله شده از امالی مورد استفاده آیه الله شبیری زنجانی قرار گرفته و به واسطه همین نسخه اخیر در چاپ جدید قم از کتاب امالی شیخ صدوق نیز از آن بهره گرفته شده است (چاپ مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۷ ق).

این مجموعه، جدا از چند یادداشت متأخر متعلق است به اواخر سده ششم قمری و بر روی یکی از برگهای آن (۱ ب) متن اجازه‌ای از شخصی دیده می‌شود که در حقیقت گردآورنده/ صاحب اصلی این مجموعه است. البته در واقع چنانکه خواهد آمد تنها بخشی از نسخه به خط این شخص است و خود نیز معلوم است که از عالمان برجسته شیعی و امامی در اواخر سده ششم قمری بوده؛ اما شگفتا که نامش در هیچ یک از کتابهای رجال و تراجم احوال مانند فهرست منتجب‌الدین رازی و یا ریاض العلماء تألیف میرزا عبدالله اصفهانی معروف به افندی و طبقات اعلام الشیعة تألیف آقا بزرگ تهرانی و معجم اعلام الشیعة تألیف مرحوم محقق سید عبد‌العزیز طباطبایی ذکر نشده است.

ابتدا اجازه‌ای که از این شخص بر روی برگ یاد شده مجموعه دیده می‌شود را

نقل می‌کنیم:

«سمع مني هذه الأحاديث الشيخ الفقيه المقرئ السيد (؟) جمال القراء
والصالحين زين الحاج والمجاورين أبو الحسن علي بن محمد البياضي أئده الله
ويبحث عن معانيها وعلمها؟؟ (دو کلمه‌ای خوانا نیست) وأجزت له أن يروها عني
على الشروط المعتبرة (؟) عند؟ (به اندازه کلمه‌ای خوانا نیست) وكتب أبو نعيم
أحمد بن حمزة بن أحمد النعيمي البيهقي بخطه في ذي القعدة سنة ٤٠٤. در حاشیه
همین جا مطلبی ناخوانا دیده می‌شود که ظاهراً اشاره به تعیین سال و تاریخ این اجازه
داشته است.

تا به حال با دو نفر در این مجموعه آشنا شده‌ایم که نامشان در جای دیگری تا آنجا که من تتبعی کرده‌ام به دست نیامده است: یکی گردآورندهٔ احادیث مورد اشاره در متن اجازه، به نام ابو نعیم احمد بن حمزة بن احمد النعیمی البیهقی و دیگری عالمی به نام ابو الحسن علی بن محمد البیاضی که از اوصاف مورد اشاره برای او در متن اجازه معلوم است که گویی مدتی مجاور بیت الله بوده است و ساکن مکه. هیچ دور نیست که این اجازه هم در مکه صادر شده و بنابراین بیاضی یاد شده در زمان حضور ابو نعیم نعیمی بیهقی در این شهر و احتمالاً در ایام حج این احادیث را از او سماع کرده است. با این حساب و با توجه به اینکه خط اجازه یاد شده با خط بخشی از نسخه حاضر یکی به نظر می‌رسد و نیز از آنجا که در متن اجازه، تنها از سماع احادیث و نه مناولهٔ نسخه سخن رفته، می‌شد چنین فرض کرد که این نسخه خطی، نسخه شخصی النعیمی بوده و او متن اجازه را تنها به هدف حفظ در «اصل» خود در مطاوی این نسخه ضبط کرده است. با این وصف به دلیل اینکه بخش اعظم نسخه به خط او نیست و ظاهراً به خط بیاضی است، بنابراین محتمل به نظر می‌رسد که نسخه اصلاً از آن نعیمی بوده اما او آن را به شاگردش بخشیده و شاگرد سپس در این نسخه مطالب و شاید اوراق زیادی را افزوده و آنگاه چنانکه خواهیم دید اجازه دیگری را باز از همین استاد برای بخشهای دیگر این مجموعه دریافت کرده است.

مجموعه حاضر دچار آشفتگی و افتادگی اوراق است. با این وصف اینجا می‌کوشیم که فهرستی از متنها و بخشهای اصلی آن ارائه دهیم:

۱. اولین متنی که در این مجموعه دیده می‌شود، مجموعه‌ای است از احادیث در فضائل اهل بیت (ع)^۱ که بر خلاف اظهارات فهرست‌نگار محترم تنها مجموعه‌ای پراکنده از احادیث امالی شیخ صدوق و غیره نیست، بلکه مجموعه‌ای است از احادیث به روایت از مشایخ و با ذکر سلسله اسناد که به وسیله ابو نعیم النعیمی پیشگفته تدوین شده و باید آن را تألیفی از او قلمداد کرد. این بخش از نسخه ما

۱. این مجموعه احادیث از برگ ۱ الف آغاز می‌شود اما در نسخه حاضر این برگ ظاهراً پشت و رو جا گرفته و بنابراین برگ ۱ ب دنبالهٔ احادیث نیست و باید آن را در واقع ۱ الف فرض کرد. این مجموعه احادیث تا برگ ۸ الف ادامه می‌یابد.

چنانکه می‌نماید به خط خود اوست. این مجموعه که با خطبه‌ای در ابتدا آغاز می‌شود، در بخش نخست آن گزیده‌ای است از احادیث خطیب خوارزمی (د. ۵۶۸ ق) در کتاب مناقب و به ویژه در کتاب مقتل الحسین او. سند آغازین چنین است: «وَأخبرنا الشيخ الفقيه العالم تاج العرب أبو عبدالله محمد بن المفرج المَدْحِجِي من مشهد مولانا أمير المؤمنين عليه السلام أنا الشيخ الإمام الأجل ضياء الدين صدر الأئمة أخطب الخطباء أبو المؤيد الموفق بن أحمد المكي ثم الخوارزمي رضي الله عنه، قال: أنا العلامة فخر خوارزم أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشري ...».

در دنباله تا چند برگ دیگر چند حدیث مسند دیگر نیز نقل شده اما جالب است که همه این احادیث از خطیب خوارزمی است و از مشایخ شناخته شده او؛ با این وصف در احادیث بعدی اشاره‌ای به واسطه بودن خوارزمی در نقل این احادیث نشده است. به هر حال تردیدی نیست که این اشخاص مشایخ مستقیم ابو نعیم النعیمی نیستند و او معلوم نیست به چه دلیل از شیوه محدثان در نقل کامل سند تا منبع محل نقل پیروی نکرده است. نام محمد بن المفرج در سندی که نقل شد نشان می‌دهد که او از مشایخ ابو نعیم النعیمی بوده و شاید هم تنها به اجازه‌ای و نه اینکه النعیمی او را مستقیماً دیده باشد: تعبیر «من مشهد...» شاید گویای چنین استنباطی باشد. به هر حال محمد بن المفرج ظاهراً از عالمان امامی ساکن نجف در اواخر سده ششم قمری بوده است. جالب است بدانیم که قاضی جعفر ابن عبد السلام (د. ۵۷۳ ق)، عالم و متکلم نامدار زیدی یمن هم به واسطه همین شخص از خطیب خوارزمی روایت می‌کند. او به احتمال زیاد این دانشمند را در سفرش به عراق، در کوفه/ نجف دیده بوده است.

۱. حَمِيد بن احمد الشهيد المَحَلِّي (د. ۶۵۲ ق)، عالم و متکلم زیدی یمن در کتاب محاسن الأرزهار خود (ص ۴۵ تا ۴۶) سند مرتبط را نقل می‌کند: بدین قرار: «وَأخبرنا الفقيه الأجل العالم الحافظ جمال الدين عمران بن الحسن بن ناصر أسعده الله قراءة قال: أخبرنا الشيخ الأجل العالم عفيف الدين حنظلة بن الحسن بن شعبان/ شعبان رحمه الله قراءة عليه قال: أخبرنا القاضي الأجل الإمام شمس الدين جمال الإسلام أبو الفضل جعفر بن أحمد بن عبد السلام بن أبي يحيى رضوان الله عليه قال: أخبرنا الفقيه الإمام سيف العرب محمد بن مفرح (كذا: المفرج) المسهدي (كذا: المشهدي) المضري (كذا) حرس الله مهجته بقرآتي عليه قال: أخبرنا الشيخ صدر الأئمة موفق بن أحمد المكي الخوارزمي قراءة عليه وأنا أسمع...».

بعد از نقل این چند حدیث از خطیب خوارزمی، در ضمن همین مجموعه احادیث، چند روایت دیگر دیده می‌شود که ابو نعیم النعمی از مشایخش نقل کرده است. سند حدیث اول چنین است:

«أخبرنا القاضي الجليل العالم ابو منصور احمد بن الحسين بن أحمد البيهقي^۱، قال: أنا شيخ القضاة اسماعيل بن أحمد أنا أبي شيخ السنة أحمد بن الحسين البيهقي أنا الحاكم أبو عبدالله الحافظ صاحب تاريخ النيسابورين...».

- باز در سندی دیگر از همین ابو منصور چنین آمده است:

«وأخبرني القاضي ابو منصور احمد البيهقي أنا الشيخ الإمام أبو بكر محمد بن منصور السمعاني أنا أبو سعد محمد بن محمد الكاتب أنا أبو نعيم الحافظ».

درست در حاشیه همین حدیث که سندش را نقل کردیم، در حاشیه پایین برگ ۶ الف نسخه ما، ابو نعیم النعمی چنین مرقوم کرده است: «وإنما رويت هذه الأحاديث من هذه الطرق لتكون لنا حجة على من خالفنا وليكونوا قد أقرؤا (كذا) لنا لما ندعیه في أهل هذا البيت صلوات الله عليهم».

احادیث بعدی این مجموعه نخستین بسیار با اهمیت‌تر است. در اسناد احادیث این بخش ما با شماری از عالمان ناشناخته و یا تواریخ و اسناد قابل توجهی در راستای شناخت علمای امامی سده‌های پنجم و ششم قمری خراسان (و خاصه بیهقی و نیشابور) و ری آشنا می‌شویم. در اینجا بخشهای قابل استفاده این اسناد را نقل می‌کنیم:

«وحدثنا السيد الأجل الامام المرتضى علم الهدى شرف الدين عزّ الاسلام والمسلمين سيد السادة ملك النقاء أبو الفضل محمد بن علي بن محمد بن المطهر أبي الحسن المرتضى الحسيني القمي رضي الله عنه وأرضاه في شعبان سنة أربع وستين وخمسائة بمدينة أستراباذ عمرها الله نا الحافظ النطنزي أبو عبدالله محمد بن أحمد بن محمد الحديثي بنطنز في آخر شوال سنة ثلاث وخمسين وخمسائة أنا الحافظ أبو علي الحدّاد...»

۱. برای ابو منصور احمد بن الحسين البيهقي، نک: ابن فندق بيهقي، تاريخ بيهقي، ص ۲۰۸ تا ۲۰۹ که اشاره‌ای به او و خاندانش دارد.

- «وَأَخْبَرَنِي الشَّيْخُ الإِمَامُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ التَّمِيمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ نَا الشَّيْخَ الْفَقِيهَ الْعَالِمَ وَالِدِي نَا الشَّيْخَ الْفَقِيهَ الْعَالِمَ الْوَالِدَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ التَّمِيمِيِّ نَا السَّيِّدَ الْجَلِيلَ الْعَالِمَ أَبُو الْبَرَكَاتِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعُلُوِي الْجَوْرِي نَوَّرَ اللَّهُ ضَرْيَحَهُ وَالشَّيْخَ أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَا: نَا الشَّيْخَ الْفَقِيهَ السَّعِيدَ أَبُو جَعْفَرَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوِيهِ الْقَمِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ...»

- «أَخْبَرَنِي الْحَاكِمُ الإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الزِّيَادِي أَنَا الشَّيْخُ الإِمَامُ أَبُو الْحَسَنِ سَعِيدُ بْنُ هَبَةَ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ (كُنَا: الْحَسَنُ) الرَّائِدِي بِيَلْدَةِ الرِّيِّ مَنْصَرَفِي مِنْ الْحِجِّ أَنَا السَّيِّدَ الْمَرْتَضَى الدَّاعِي نَا جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ أَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَارِثِي نَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ حَدَّثَنِي أَبِي...»

- «وَأَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الإِمَامُ الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الْخَطِيبُ أَنَا الشَّيْخُ الإِمَامُ الْأَجَلَّ أَبُو عَلِيٍّ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْفَضْلِ الطَّبْرَسِي أَنَا السَّيِّدَ السَّعِيدَ تَاجَ السَّادَةِ أَبُو عَلِيٍّ هَبَةَ اللَّهِ بْنِ هَبَةَ اللَّهِ الْعَرِضِي أَنَا السَّيِّدَ الْعَالِمَ أَبُو طَالِبٍ حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْجَعْفَرِي أَنَا عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ الْحَسَنِ بَدْمَشَقِي...»

در پایان این احادیث، ابو نعیم چنین مرقوم کرده است: «والحمد لله رب العالمين وصلواته على نبيه محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين كتب البعض منه في شهر رمضان والبعض في شوال سنة ثمانين وخمسمائة.»

تا اینجا معلوم شد که بخش اول این مجموعه که شامل نقل تعدادی حدیث درباره فضائل حضرت امیر و اهل بیت (ع) است، به وسیله ابو نعیم التمیمی در تاریخ ۵۸۰ ق سامان گرفته و او تا این تاریخ و بل تا ذیقعدة آن سال (نک: پیش از این) زنده بوده است. از اسنادی که نقل کردیم، ملاحظه می شود که او از مشایخ متعدد خراسانی و رازی بهره مند بوده است. به لطف نسخه حاضر ما اطلاعات بسیار جالبی درباره شماری از محدثان و عالمان شیعی در سده ششم قمری و پیش از آن به دست می آوریم؛ اطلاعاتی که در منابع دیگر بعضاً دیده نمی شود: از نقطه نظر اسانید و اجازات و طبقات و تواریخ راویان و عالمان حدیث. به هر حال این نخستین قدم

است برای شناخت شخصیت دانشمند و عالم امامی مذهب ناشناخته‌ای از بیهق سده ششم قمری و شناخت محیط علمی او و استادان و شاگردانش.^۱

در نسخه حاضر در برگهای ۸ ب و ۹ الف اشعاری از خود ابو نعیم احمد بن حمزه بن ابی نعیم البیهقی در مدح حضرت امیر دیده می‌شود که نشان می‌دهد او شعر نیز می‌سروده است.

۲. بخش دیگر این نسخه خطی را یادداشتهای و مجموعه‌ای از نقلهای کوچک تشکیل می‌دهد از منابع مختلف. در آغاز این بخش چنین آمده است: «فصل في الفرر والدرر والتنف» (برگ ۹ ب). قلم و خط این قسمت با بخش اول مجموعه متفاوت است. به طور کلی باید گفت در طول نسخه حاضر چندین نوع متفاوت قلم و خط دیده می‌شود که ظاهراً بخشی از آنها به دلیل تفاوت زمانی و سلیقه‌ای در کتابت از سوی النعیمی است و بخشی هم مربوط است به کتابت شاگردش البیاضی. در حاشیه پایان برگ ۱۰ ب آمده است: «وقد أخرجت من مصنفات مشهورة وترکنا الأساسید (?)».

۳. بعد از بخش دوم، در نسخه حاضر، در برگ ۱۱ الف و ب، چند مطلب، حکایت و حدیث و از آن جمله درباره امام غائب نقل شده که یکی از این حکایتها مربوط است به نقلی از «ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن دینار الکوفی النسابة» که متن آن در الخرائج والجرائح قطب راوندی نقل شده بدون نام بردن از این شخص.^۲

۴. در برگهای بعدی نسخه (از برگ ۱۲ الف تا ۲۰ ب) نیز مطالب پراکنده و احادیث و حکایات زیادی و از جمله خطیبی از حضرت امیر (ع) نقل شده که بیشتر حکم یادداشتهای و مسودات دارد و همه باید به خط همین النعیمی باشد. اوراق این قسمت از نسخه کاملاً آشفته است و معلوم است که اوراق زیادی در این میان افتاده است؛ به نحوی که تفکیک متنها از یکدیگر و در نتیجه تعیین هویت آنها گاه ممکن

۱. این مطالب و این نامها و حتی نام نویسنده این مجموعه مورد توجه فهرست‌نگار محترم کتابخانه مجلس قرار نگرفته است.

۲. مقایسه کنید با: خرائج راوندی، ۱/ ۴۷۲ تا ۴۷۳.

نیست.^۱ در این میان رساله‌ای اعتقادی دیده می‌شود که گرچه تألیف آن آشکارا به کسی نسبت داده نشده، اما به نظر می‌رسد تألیف خود همین ابونعیم النعیمی است که آن را به خط خود تحریر کرده است. این رساله متنی است اعتقادنامه‌ای که تا اندازه‌ای محدود متعرض مسائل معمول کتابهای مختصر کلامی شده است. برگهای این رساله در نسخه حاضر دچار آشفستگی و جا به جایی شده است، اما خوشبختانه متن کامل آن در اختیار است. آغاز آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم وبه الثقة. الأجسام محدثة لأنها لم تسبق الحوادث وكل ما لم يسبق الحوادث فهو محدث. فصل: للعالم صانع لأنه محدث وكل محدث فله محدث. فصل...^۲

تا آنجا که تنبھی کردم این رساله پیشتر در الذریعه و یا کتابهای دیگر معرفی نشده است. اگر حقیقتاً این رساله از ابونعیم النعیمی باشد، می‌باید گفت او علاوه بر دانش حدیث در کلام و عقاید هم دست داشته است. در این رساله، عقاید چندان به تفصیل گزارش نشده تا بتوان گرایشهای نویسنده آن را از نقطه نظر کلامی روشن کرد، اما معلوم است که او دانشمندی با گرایشهای کلامی مشابه با گرایشهای شریف مرتضی (د. ۴۳۶ ق) و مکتب معتزلیان بهشمی بوده است و نه اینکه متأثر از مکتب ابوالحسین بصری (د. ۴۳۶ ق) / رکن الدین محمود ملاحمی (د. ۵۳۶ ق) در کلام باشد. بنابراین اندیشه کلامیش مشابه عالم معاصر امامیش سدید الدین الحمصی (د. بعد از ۶۰۰ ق) نبوده است. در زمان ابونعیم البیهقی هنوز گرایش به بهشمیان در میان امامیه ظهور گسترده‌ای داشت؛ گرچه به تدریج از اواخر سده ششم این وضع به نفع ملاحمیان تغییر کرد. بخش اول این رساله اعتقادنامه‌ای را مباحث توحید تشکیل می‌دهد؛ سپس: الکلام فی العدل؛ سپس: باب الکلام فی النبوات؛ آنگاه: باب الکلام

۱. لازم به ذکر است که در یکی از صفحات نسخه حاضر در همین قسمت (برگ ۱۱ ب) فصلی در

نبوت درج شده که معلوم نیست از چه کتابی اخذ شده است.

۲. این رساله تاکنون منتشر نشده است. نویسنده این سطور آن را تصحیح کرده که انشاء الله منتشر خواهد شد.

في النظر وسيس: باب الكلام في الوعد والوعيد و آنگاه: باب الكلام في الإمامة و سيس دست آخر: باب الكلام في الآجال والأرزاق والأسعار.

۵. اما بخش عمده نسخه مجموعه طباطبایی در واقع گزیده و انتخابی است از دو کتاب عیون أخبار الرضا و نیز امالی شیخ صدوق، هر یک به شکل مستقل. این دومی آشکارا به روایت ابونعیم النعمی است؛ اما بعید نیست گزیده‌های کتاب عیون هم کار خود او باشد؛ گرچه خط هر دو گزیده آشکارا از او نیست، بلکه احتمالاً به خط بیاضی، شاگردش است. منتخبات از عیون اخبار الرضا با خطبه‌ای کوتاه در آغاز آن از برگ ۲۱ ب آغاز می‌شود و تا ۴۰ ب ادامه پیدا می‌کند و یکباره در میانه نقل یک حدیث در نسخه حاضر پایان می‌گیرد. در برگ ۴۱ الف حدیثی قدسی همراه با نقل سندی دیده می‌شود که مرتبط با متن منتخبات عیون اخبار الرضا نیست. این سند بدین قرار است: «وأخبرنا شيخنا عین (?) الدین أبي نعیم أحمد بن حمزة طول الله عمره أنا القاضي الإمام العالم عزيز الدين (?) جمال القضاة أبو منصور (در حاشیه) أحمد (بن الحسين بن أحمد البيهقي؛ در حاشیه) قال: أنبأنا الشيخ أبو بكر محمد بن عبد الله بن أحمد بن حبيب العامري البغدادي رحمه الله وقد كتبتة عن خطه أعني أبابكر أنا الشيخ العالم أبو الحسن علي بن الحسين بن علي بن حمزة النوقاني فيما قرأت عليه نا القاضي أبو علي اسماعيل بن محمد بن اسماعيل العراقي إملاء...».

این سند باید به خط بیاضی باشد که می‌دانیم شاگرد النعمی بوده و استاد دو اجازه در متن این نسخه بدو اعطا کرده است. خط سند پیشگفته عیناً همان خطی است که منتخبات دو کتاب یادشده بدان نوشته شده است و بنابراین تقریباً با اطمینان خاطر می‌توان گفت که بخش عمده نسخه حاضر به خط بیاضی، شاگرد النعمی است.

۶. در نیمه دوم همین برگ ۴۱ الف منتخباتی از صحیفه الرضا (ع) نقل شده که تا برگ ۴۱ ب ادامه پیدا می‌کند. در پایان این منتخب چنین نوشته شده است: «هذه الأحاديث نسختها من صحيفة الرضا عليه السلام». این بخش هم به خط بیاضی است.

۷. دومین کتابی که منتخباتی از آن در این نسخه کهنسال دیده می‌شود، چنانکه پیشتر گذشت امالی شیخ صدوق است که از برگ ۴۲ الف در نسخه حاضر آغاز می‌شود و تا برگ ۶۶ ب ادامه پیدا می‌کند. در این میان برگهای ۴۸ و ۶۰ ارتباطی به

منتخبات یادشده ندارد و پاره‌ای از احادیث را در بر دارد که آشکارا معلوم است از منبعی جداگانه نقل شده است.^۱ از دیگر سو، برگهای منتخبات امالی در نسخه حاضر دچار آشفتنگی شده و بنابراین آغاز این منتخبات در میانه برگهای مرتبط قرار گرفته است؛ در برگ ۵۰ الف. بنابراین منتخبات این نسخه از کتاب امالی صدوق بر خلاف ادعای فهرست‌نویس محترم کتابخانه مجلس، بی خطبه و سند آغازین نیست؛ بلکه هم خطبه‌ای کوتاه در آغاز دارد و هم سند نقل از کتاب شیخ صدوق. سند آغازین آن چنین است: «أخبرنا الشيخ الإمام العالم الناقد عين (؟) الدين جمال الأئمة فريد العصر أبو نعيم أحمد بن حمزة النعمي أطل الله بقاءه أنا الشيخ الإمام العالم الزاهد مؤفق الدين ركن الإسلام أبو الحسن علي بن محمد بن أبي الحسن بن عبد الصمد التميمي رضي الله عنه نا الشيخ الفقيه العالم زين الدين والدي نا الشيخ الفقيه العالم الوالد أبو الحسن علي بن عبد الصمد بن محمد التميمي نا السيد الجليل العالم أبو البركات علي بن الحسين العلوي الجوري نور الله ضريحه والشيخ أبو بكر محمد بن أحمد بن علي رحمه الله قالوا: ثنا الشيخ الفقيه السعيد أبو جعفر محمد بن علي بن موسى (كذا) بن بابويه القمي رضي الله عنه وأرضاه...».

در پایان نسخه حاضر که در عین حال پایان این منتخبات هم هست، رقم کاتب چنین است: «هذا ما أخرج الشيخ الإمام الأجل العالم عين (؟) الدين جمال الاسلام فخر الأئمة فريد العصر أبو نعيم أحمد بن حمزة النعمي أدام [الله] عزه وبقائه من أمالي الشيخ الفقيه السعيد أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن (كلمه غير واضح: موسى بن) بابويه القمي رضي الله عنه (در دنباله، چند کلمه دچار ریختگی جوهر و یا حذف عمدی شده است و خوانا نیست)». در سطر بعد به خط همان کاتب که باید بیاضی پیشگفته باشد، چنین ثبت شده: «كتبه في سنة ثمانين وخمسائة من الهجرة». بنابراین تاریخ این نسخه بر خلاف اظهار نظر فهرست‌نگار محترم ۵۰۸ ق نیست و بلکه ۵۸۰ ق است (البته ایشان احتمال ۵۸۰ را هم داده‌اند).

۱. از جمله در برگ ۶۰ حدیثی نقل شده که متن و سند آن در الثاقب فی المناقب ابن حمزه (ص ۱۲۷ به بعد) نقل شده است.

در پایان اجازه‌های آمده به خط ابو نعیم و باز برای بیاضی پیشگفته؛ بدین عبارات: «قرأ علي هذه الأحاديث التي خرّجتها من أمالي الشيخ الفقيه أبي جعفر رضي الله عنه من المجلدة الأولى الشيخ المقري؟ السديد نصير الدين (محتملاً؛ غير واضح) زين الحاج والمجاورين علي بن محمد بن ابراهيم البياضي الرازي آدم الله توفيقه سائلاً عن .. (حدود بیش از یک سطر خوانا نیست) وكتب أبو نعیم أحمد بن حمزة بن أحمد النعیمی (خوانا نیست).

خط این بخش از نسخه با خط و قلم ابو نعیم متفاوت است و از عبارات پایانی پیشگفته هم معلوم است که این بخش نباید به خط ابو نعیم النعیمی باشد. از آنجا که بلافاصله النعیمی اجازه روایت آنچه از تخریج امالی شیخ صدوق فراهم کرده بوده را به البیاضی داده است، معلوم می‌شود که علی الظاهر کاتب این بخش از نسخه، خود همین بیاضی است که محتملاً در پایان دفتری خطی از استادش که شامل یادداشتها و آثاری از او بوده، منتخبات عیون اخبار الرضا و نیز تخریج گریده مجلد اول از امالی شیخ صدوق را استنساخ کرده است. به هر حال از عبارت پایانی معلوم می‌شود که البیاضی اصلاً اهل ری بوده ولی ظاهراً دست کم مدتی در مکه مجاور بیت الله بوده است. آیا او با زین الدین علی بن عبدالجلیل البیاضی، دانشمند و متکلم امامی مذهب ساکن ری که منتجب الدین از شاگردانش بوده نسبی و خویشی داشته است؟^۱ این امر بعید نیست. این نسخه از نسخ امالی و لو اینکه شامل همه احادیث متن کتاب نیست، اما گویا کهنترین نسخه موجود امالی باشد. سند آغازین پیشگفته هم مشتمل بر نام رجالی است که در متون اجازات امامیه در نقل امالی شیخ صدوق از شهرت برخوردارند و عمدتاً امالی صدوق به واسطه همین رجال در خراسان روایت می‌شده است. می‌دانیم که آثار حدیثی شیخ صدوق در خراسان در سده‌های پنجم و ششم قمری از تداول بسیار زیادی برخوردار بوده و مرجع اول حدیث برای امامیان قلمداد می‌شده است.

در نسخه حاضر در حواشی بسیاری از برگها روایات و حکایات و مطالب مختلفی دیده می‌شود که متأسفانه شماری از آنها خوانا نیست.

۱. برای این شخص، نک: فهرست منتجب، ص ۱۱۴.